

کتابخانه ملی در گذشته و حال

حال

پوری سلطانی



تاریخچه

از اوایل سال ۱۳۱۲ تهران نشینانی که از اطراف میدان مشق (میدان امام خمینی) گذر می‌کردند به تدریج متوجه شدند که در قسمت غرب آن میدان بنایی در حال تکوین است. این ساختمان که سرانجام در سال ۱۳۱۶ به پایان رسید متعلق به موزه ایران باستان بود. در کنار موزه ساختمان کوچکتری وجود داشت که قرار بود کتابخانه موزه بشود ولی پس از اتمام مقرر شد که این ساختمان به نام کتابخانه ملی ایران گشایش یابد و چنین نیز شد.

مجموعه قدیمی کتابخانه مدرسه دارالفنون که در سال ۱۳۱۲ به وزارت معارف تحویل و به نام کتابخانه عمومی معارف نامیده شده بود، به عنوان مجموعه پایه به ساختمان جدیدالتأسیس کتابخانه ملی ایران راه یافت. پس از آن نیز مجموعه‌هایی به کتابخانه افزوده شد که از آن جمله است کتب کتابخانه دربار قاجار و کتابخانه بانک استقراضی روس و کتابهای دانشسرای عالی. کتابهای اهدایی دولت آلمان و بسیار کشورهای دیگر و هبه‌ها و مجموعه‌های اهدایی تنی چند از مستشرقان و نیز دانشمندان و کتابدوستان ایرانی بر غنای کتابخانه افزود. خریداری مجموعه‌های شخصی معتبر نیز باعث گسترش و کسب اعتبار مجموعه کتابخانه شد. اکثر این اقدامات تا قبل از دهه ۱۳۴۰ صورت گرفت.

بعدها متأسفانه افراد مختلفی در دوره‌های کوتاه بر کتابخانه ملی ریاست کردند که کمتر توانستند منشأ اثر مفید و پایداری باشند و بدین ترتیب حتی توجه کافی به مجموعه کتابخانه نیز نشد. اگر قانون واسپاری دو نسخه از نشریات به کتابخانه ملی که در سال ۱۳۲۶ ضمن قانون مطبوعات به

تصویب رسیده بود به‌طور کامل به‌مورد اجرا گذاشته می‌شد احتمالاً بدون نیاز به بودجه و نیروی انسانی اضافی کتابخانه از مجموعه کاملی از نشریات کشور برخوردار می‌شد. ولی متأسفانه این قانون از همان ابتدا مورد توجه دستگاههای دولتی و ناشران قرار نگرفت. این قانون از نوعی ضمانت اجرایی که پرداخت ۳ تا ۶۰ تومان در صورت خلاف باشد نیز برخوردار بود. ولی در سال ۱۳۴۳ و سپس در سال ۱۳۵۶ قانون فسوق اصلاح شد و در آن برای نشریات دولتی هیچگونه ضمانت اجرایی در نظر گرفته نشد و بالعکس برای نشریات غیردولتی قانون تبدیل به وسیله‌ای برای سانسور گردید. در نتیجه از این سال به بعد اکثر کتابهایی که در مؤسسات تجارتي و بنگاههای انتشاراتی غیردولتی چاپ می‌شد ظاهراً برای گرفتن شماره ثبت و در باطن برای بازبینی به کتابخانه ملی می‌رسید، و این به‌ر تقدیر مجموعه کتابخانه را تاحدودی بارور می‌کرد، اما از آنجا که نشریات دولتی، مثل نشریات دانشگاهها، مؤسسات و سازمانهای تحقیقاتی، به کتابخانه نمی‌رسید بازهم مجموعه کتابخانه از کمال لازم برخوردار نمی‌شد.

هدف

در اولین اساسنامه‌ای که برای کتابخانه به امضای محمد وحید، کفیل وزارت فرهنگ وقت تدوین شد، هدف کتابخانه ملی چنین تعریف شده است: «کتابخانه ملی برای استفاده و مطالعه عموم و مرکز بازجوییها و مطالعات علمی و ادبی و رسیدگی به امور فنی کتابخانه‌های منتسب وزارت فرهنگ و مرجع اطلاعات راجع به کتابخانه‌های کشور می‌باشد»

این هدف برای آن دوران شاید به اندازه کافی والا و بلندپروازانه بوده باشد، ولی مسلم است که تعریف کتابخانه ملی و اهداف آن از پنجاه شصت سال پیش تاکنون تغییراتی چند یافته است که بدان اشاره خواهد شد. باید توجه داشت که کتابخانه ملی در آن زمان وارث کتابخانه عمومی معارف شد و به همین دلیل ناچار اهداف آن کتابخانه می‌بایست جایی برای تجلی در کتابخانه ملی داشته باشد. به‌رحال بیان فوق به چهار نکته مجزا اشاره می‌کند:

۱) استفاده عموم از کتابخانه.
۲) کتابخانه ملی به‌منزله مرکز تحقیق و مطالعه.
۳) کتابخانه ملی مسؤل امور فنی کتابخانه‌های وزارت فرهنگ.

۴) کتابخانه ملی مرجع اطلاعات درباره کتابخانه‌های کشور.

این نکات هنوز هم در تعاریف بین‌المللی جزو وظایف و اهداف کتابخانه‌های ملی می‌آید، گوآنکه نسبت به استفاده عموم معمولاً اولویتهایی قابل می‌شوند. ولی آنچه مسلم است هیچ‌یک از تعاریف فوق کتابخانه ملی را از سایر کتابخانه‌ها مشخص نمی‌کند. تعاریف اول و دوم می‌تواند شامل هر کتابخانه عمومی باشد. وظیفه سوم را نیز کتابخانه عمومی مرکزی می‌تواند انجام دهد. تنها مورد چهارم را می‌توان تا حدودی از مشخصات کتابخانه‌های ملی دانست. اهداف بسیار مهم دیگری بر کتابخانه ملی مترتب است که آنرا دقیقاً از هر کتابخانه دیگری متمایز و مشخص می‌کند. آنچه در آن زمان مورد توجه قرار نگرفته است نقش کتابخانه ملی است به‌منزله حافظ و نگهدارنده میراث فرهنگی و نیز نقش کتابخانه ملی است به‌عنوان مرکز اطلاع‌رسانی کشور و ایفای وظایف یک مرکز ملی برای مراجع کلیه مراکز اسناد و کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی داخل و خارج کشور. با حذف این سه نقش مهم در واقع از ابتدا کتابخانه ملی ایران بایک کتابخانه عمومی اشتباه گرفته شده است.

باوجود این باید توجه داشت که کتابخانه ملی در شرایطی به‌وجود آمد که تعداد باسوادان در کشور اندک بود و کتابداری نوین هنوز بدین دیار قدم نگذاشته بود. اولین کلاس مقدماتی کوتاه‌مدت به مدیریت مرحوم دکتر بیانی، اولین رئیس کتابخانه ملی، در سال ۱۳۱۷ به‌مدت حدود دوماه و نیم در دانشسرای عالی برگزار شد. ولی پس از آن دیگر تا سال ۱۳۳۱ خبری از تدریس کتابداری در ایران نداریم. تدریس رسمی کتابداری در ایران در مرتبه فوق‌لیسانس کتابداری در سال ۱۳۴۵ در

دانشگاه تهران گشایش یافت.

از این گذشته، تعداد کتابخانه‌ها نیز در ایران بسیار محدود بود و دانشمندان و علمای ما به استفاده از کتابخانه‌های شخصی خود اکتفا می‌کردند و هنوز سنت کتابخانه رفتن نضج نگرفته بود و کتابخانه‌ها اعتباری نداشتند و همچنان در رکودی که از قرن هشتم دامنگیرشان شده بود به‌سر می‌بردند. کتابخانه جای بی‌کارها و یا ازکارافتاده‌ها بود نه‌جای ابوغلی‌سیناها، نوبختها، ابن‌مسکویه‌ها و مسعودسعدها که به تصدی کتابخانه مباحثات کنند چنانکه مسعودسعد کرد:

دارالکتب امروز به‌بنده است مفوض
زین عزوشرف گشت مرا رتبت‌والا
پس زود چوآراسته گنجی کنمش من
گرتازه مثالی بود از مجلس اعلا

مدتها بود که دیگر از کتابخانه‌هایی نظیر کتابخانه ری، کتابخانه‌های مدارس نظامیه، بیت‌الحکمه، کتابخانه عضدالدوله، کتابخانه‌های نیشابور، کتابخانه ربع‌رشیدی و صدها کتابخانه نظیر آنها خبری نبود. روزگاری که به‌قول یاقوت‌حموی تنها یک شهر آن چون مروده کتابخانه عمومی داشته باشد سپری شده بود. کتابخانه ملی در چنین شرایطی به‌وجود آمد. باوجود این باید اذعان کرد که این کتابخانه در بیست و چند سال اول عمر از تحرك و شکوفایی بیشتری برخوردار بوده است و فعالیت‌های آن به‌تدریج روبه افول می‌گذارد، تا آنجا که غالب مشتریانش به‌جای محققان و مستشرقان و اهل علم تبدیل می‌شوند به دانش‌آموزانی که از کتابخانه به‌منزله محلی دنج برای مطالعه دروس خود استفاده می‌کردند. لذا در واقع اصل اول و دوم اساسنامه به‌تدریج روبه ضعف می‌گذارد زیرا که نه مجموعه کتابخانه و نه خدمات آن جوابگوی عموم مردم یا دانش‌دوستان و محققان بود.

متأسفانه اصل سوم که رسیدگی به امور فنی کتابخانه‌ها باشد به‌نظر نمی‌رسد هرگز جامه عمل به‌خود پوشیده باشد زیرا ابتدا امور فنی خود کتابخانه باید منطقی و استوار باشد تا بتواند به کتابخانه‌های دیگر کمک کند. شاید در سالهایی خاص کتابدارانی دلسوز که احساس مسؤلیت می‌کردند به حداقل کار که فیش‌نویسی ابتدایی برای قسمتی از مجموعه‌ها بوده است همت گماشته باشند. ولی اینها همه دوره‌ای و غیرمداوم و غیراصولی بوده است و نتیجه آنکه الآن در کتابخانه ملی چندین نوع فیش موجود است که هرکدام سبک و سیاق خاصی را دنبال می‌کند و آن‌طور که شایسته یک کتابخانه ملی است نیاز مراجع‌کنندگان و برنمی‌آورد. کتابخانه ملی هرگز

نوانسته است کتابخانه‌های وزارت فرهنگ را که بعدها به کتابخانه‌های عمومی مبدل شد زیر بال‌پر خود گرفته، مایه رشد و پرورششان شود. به همین دلیل کتابخانه‌های عمومی نیز همیشه مراکز غیرفعال و راکد باقی ماندند. بعد از انقلاب اسلامی کتابخانه‌های عمومی از لحاظ سازمانی بکلی از کتابخانه ملی جدا شد که این خود جای بحث و گفتگوی بسیار دارد. به اصل چهارم اساسنامه نیز توجهی نشده است و در کتابخانه ملی اکنون هیچ بایگانی‌ای که نشانی از اطلاعات مربوط به کتابخانه‌های کشور در آن مشاهده شود موجود نیست.

آنچه به‌رحال جالب است اینکه برخی از رؤسای کتابخانه نقش کتابخانه ملی را به‌منزله یک مرجع بین‌المللی مراجعه احساس کرده و تماسهایی با کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی دنیا برقرار کرده‌اند. لذا با اینکه این امر سالیان دراز متوقف مانده، از آنجا که این نقش کتابخانه ملی در دنیا شناخته شده است، هنوز هم سؤال‌های مربوط به کتاب، فرهنگ و ادب، کتابداری، نشر، چاپ و غیره از اقصی نقاط دنیا، بخصوص از مراجع بین‌المللی به کتابخانه ملی می‌رسد. اینکه در گذشته به چند درصد سؤالها جواب داده می‌شده است، خود محل سؤال است. کم‌اینکه هنوز هم امکان پاسخگویی به همه سؤالها و پرسشنامه‌های اطلاعاتی محققان و دانش‌پژوهان و کتابشناسان خارجی موجود نیست.

مهمترین کاری که کتابخانه ملی از سال ۱۳۴۳ تاکنون انجام داده است انتشار کتابشناسی ملی ایران است. البته آنچه انتشار یافته با تعریف و معیارهای بین‌المللی کتابشناسی ملی که باید حداقل حاوی همه انتشارات داخل کشور باشد تطبیق نمی‌کند. مقدمه اولین شماره آن به‌خوبی این امر را روشن می‌کند و نیز می‌رساند که همان‌مقدار با چه مشقتی فراهم شده است. بدیهی است که هرچند تعداد نشریات افزوده شد، اشکالات بیشتر شد و شمول کمتر. حتی در سالهایی که نشریات به‌جهت دریافت شماره ثبت به کتابخانه می‌رسید و ظاهراً اشکال جمع‌آوری کتب کمتر شد، به‌علت اینکه نشریات دولتی از این قانون مستثنی بودند و به کتابخانه نمی‌رسیدند، بازهم کتابشناسی ملی ناقص منتشر می‌شد. با این همه، همین قدر که هست و منتشر شده است خود مرجعی است بسیار مفید و ارزنده، و چه در داخل و چه در خارج از کشور هر مجلد آن بدون شک صدها بار مورد مراجعه قرار می‌گیرد و در آینده نیز قرار خواهد گرفت. جای تأسف است که در سالهای ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ این کتابشناسی هرگز منتشر

نشد و اکنون دیگر امکان انتشارش نیست و در نتیجه هرگونه تحقیق کتابشناختی در ایران همیشه با این فقدان روبرو خواهد بود.

کتابهای کتابخانه از همان ابتدا برحسب شماره ثبت در قفسه‌ها چیده شد و این شیوه همچنان ادامه یافت. مجلات و روزنامه‌ها نیز به‌طور رایگان به کتابخانه می‌رسیده است، ظاهراً طبق همان روال قانون مطبوعات. ولی پی‌گیری برای خرید و تهیه شماره‌های کسری مجلات و روزنامه‌هایی که نمی‌رسیده است هرگز مسؤولانه و پی‌گیر نبوده است و این امر را فهرست روزنامه‌ها و مجلات موجود در کتابخانه ملی، به‌خوبی روشن می‌کند.

بعد از انقلاب اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران وارث یک چنین کتابخانه ملی شد. این کتابخانه از بدو تأسیس تاکنون هجده رئیس عوض کرده است که پنج تن آنان در سالهای بعد از انقلاب عهده‌دار مدیریت کل کتابخانه بوده‌اند، و سی سال اول آن زیر نظر دو رئیس بیشتر نبوده است. کتابخانه خود تاریخ زنده‌ای است از تحولات اداری که گاه زیر نظر این وزارتخانه و گاه زیر نظر وزارتخانه‌ای دیگر، گاه در نقش اداره‌ای مستقل و گاه واحدی تابع، به‌حیات خود ادامه داده است و اینهمه را مدیون کارمندان علاقمند و دلسوزی است که به‌هر روی با چنگ و دندان مجموعه آنرا از تعرض و دستبرد، و موجودیتش را از غرض‌ورزیهای دوران حفظ کرده‌اند.

از تحولات عمده بعد از انقلاب قدم صحیح و بجا این بود که دولت در جهت ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی برداشت. مرکز خدمات کتابداری در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد و به‌سرعت تعدادی متخصص کتابداری را در خود جذب کرد. این مرکز مجری اهداف و وظایفی بود که در واقع باید جزء لاینفک اهداف و وظایف کتابخانه ملی باشد. لذا ادغام آن در کتابخانه ملی ضروری به‌نظر می‌رسید. اما این امر مشکل قدیمی کتابخانه ملی یعنی کمبود جا را که سالها با آن دست‌به‌گریبان بود تشدید کرد. بدیهی است که با ادغام این مرکز تعداد زیادی کتاب، لوازم و اثاثه‌اداری و فنی و نیز تعدادی افراد جدید به کتابخانه افزوده شد و حال آنکه کتابخانه ملی خود سالها بود که زیر بار تراکم کتاب درحال انفجار به‌سر می‌برد.

پس از انقلاب اسلامی ایران تعدادی کتاب از



کتابخانه‌های دیگر، از جمله کتابخانه پهلوی سابق به کتابخانه ملی سرازیر شد که متأسفانه به‌علت کمبود جا در برخی موارد حتی امکان باز کردن آنها هم وجود نداشت. حدود هفت هزار نسخه خطی که از کتابخانه پهلوی سابق به کتابخانه ملی منتقل شد به‌علت کمبود جا تا همین اواخر زمین مانده بود. اخیراً مشغول باز کردن آنها شده‌اند و متأسفانه بیم آن می‌رود که برخی از نفایس ملی گرفتار آسیبهایی شده باشد. چندین هزار جلد کتاب و مجله معتبر خارجی از همان طریق به کتابخانه سرازیر شد که باز به‌علت فقدان جا، نامنظم و درهم در ساختمانی در نیاوران روی هم انبار شده است و معلوم نیست تاکنون چه مقدار از آنها از بین رفته باشد. بخصوص مجلات خارجی آن به‌علت اینکه خلاء بسیار عظیمی را در کتابخانه ملی پر می‌کرد بشرط اینکه اشتراك و دریافت شماره‌های بعدی ادامه می‌یافت غنیمتی بسیار گرانبها بود. افسوس که اکنون همه آنها در بیغوله‌ای خاک می‌خورد و ما باید مراجعه‌کنندگان خود را با جوابهای «نیست و نداریم» راهی کتابخانه‌های دیگر کنیم و معلوم نیست که آنجاها هم جواب «آری» بشنوند!

کتابداری به کتابهای خارجی، و ساختمان اصلی به کتابهای فارسی و عربی و نسخ خطی و مجلات فارسی تخصیص یابد. بدین ترتیب کارمندان هم به دو گروه تقسیم شدند. تعدادی از آنها در ساختمان خیابان فلسطین و تعدادی در ساختمان اصلی مستقر شدند.

ساختمان اصلی، ساختمانی کهنه و قدیمی است متعلق به ۱۳۱۶ که سالهاست نه رنگ خورده و نه تعمیر شده است. تا به حال چندین بار به‌علت بارندگی و یا به‌علت ترکیدگی لوله‌های پوسیده، آب از سقف به داخل مخزن سرازیر شده و کتابها را در معرض صدمه شدید قرار داده است. گنجایش آن به قدری کم است که با همه تمهیدات و جابه‌جاییهایی که اخیراً در آن به وجود آمده و کتب خارجی کلاً از آن بیرون برده شده، بدون شك تا شش ماه دیگر مجدداً اشباع خواهد شد و در کتابخانه جایی برای قرار دادن حتی يك کتاب باقی نخواهد ماند. کارمندان فروتن و متواضع کتابخانه تنها به خاطر عشق و علاقه‌ای که به حرفه خود و دینی که به‌جامعه دارند، در اتاقهای متراکم و شرایطی سخت به کار خود ادامه می‌دهند. کافی است گفته شود که در يك اتاق ۱۲×۱۵ متری شانزده کارمند فعالانه کار فهرست‌نویسی و تدوین کتابشناسی ملی را که مدتی به تعویق افتاده بود، به پیش می‌برند. دو نیمه شدن کتابخانه

بهر تقدیر، با ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی مقرر شد که يك طبقه و نیم از ساختمان سابق مرکز خدمات

مشکلاتی را به وجود آورده است که توضیح آنها خود نیاز به مقاله‌ای جداگانه دارد. هرکس حتی اندکی از علم کتابداری سررشته داشته باشد، می‌داند که اجزای کار کتابداری و کتابخانه‌ای آنچنان زنجیروار بهم پیوسته است که امکان یکی بدون رابطه با دیگری موجود نیست. لذا تردد دایم بین دو ساختمان به وجود آمده است که بدیهی است با نداشتن وسیله و اشکالات طرح ترافیک و دوری راه چه وضع نابسامانی را به وجود می‌آورد، و چگونه کارایی و بازده کار را تقلیل می‌دهد. از اواسط سال ۱۳۵۷ بعلت تحولات سیاسی ارسال کتاب به کتابخانه ملی به تدریج روبه‌کاهش رفت و در نتیجه سیل کتابی که در جریان انقلاب (نیمه دوم سال ۱۳۵۷) و سال ۱۳۵۸ منتشر شد به کتابخانه راه نیافت. کارمندان دلسوز کتابخانه ملی ناچار خود ماهانه پولی روی هم می‌گذاشتند و مقداری از کتابها را تا آنجا که بنیه مالیشان می‌رسید می‌خریدند. با پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال اداره نگارش ارسال کتاب به کتابخانه بکلی قطع شد و در نتیجه سال ۱۳۵۸ نیز از همان نابسامانی برخوردار بود. تا اینکه وزارت ارشاد اسلامی مقرر کرد که ناشران ۴ نسخه از هر کتاب را به دفتر آن وزارتخانه تحویل دهند. گفتگوهایی صورت گرفت تا سرانجام قرار شد وزارت ارشاد ۲ نسخه از کتب دریافتی را به کتابخانه ملی تحویل دهد. لذا از نیمه دوم سال ۱۳۶۱ از طریق وزارت ارشاد کتابهایی به کتابخانه می‌رسد. بررسیهای اخیر نشان داده است که اینها نیز شامل همه کتب منتشر شده نیست و طبق معمول فاقد اکثر انتشارات دولتی است. این است وضع کتابخانه ملی، کتابخانه‌ای که باید حافظ و نگهدارنده میراث فرهنگی کشور و مرکز اصلی مراجعه و تحقیق باشد. چنین مرکزی باید بنشیند و مثل کشاورز دیم‌کاری که در انتظار باران سر به آسمان دارد، دست و دهان به سوی وزارت ارشاد بگشاید تا شاید چیزی در چنته‌اش ریخته شود و او را حداقل در حال احتضار زنده نگهدارد. وضع مجلات و روزنامه‌ها هم به از این نیست. هنوز برای خرید کسریها و اشتراك مجلات خارجی اقدامی نشده است.

با این همه در حال حاضر طرحهای بسیاری برای فعال کردن کتابخانه ملی و انجام امور تحقیقاتی در دست اقدام است، هرچند بسیاری از این طرحها در گرو فقدان بودجه و امکانات مکانی اند و مجالی برای ظهور و بروز جدی پیدا نمی‌کنند؛ با این همه، کتابخانه اکنون با در نظر گرفتن اولویتها، دست به یک سلسله اقدامات اساسی زده است. از جمله آنکه طی سال جاری تنظیم کتابشناسیهای ملی سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ به پایان رسیده و امید

است که تا پایان سال جاری کتابشناسی ملی سال ۱۳۶۲ نیز با شیوه‌ای نو به خوانندگان عرضه شود تا بدین ترتیب یکی از اساسی‌ترین کارهای کتابخانه که سه سال عقب مانده بود طی چند ماه روز آمد شود

فهرست نویسی کتابها نیز همزمان با کتابشناسی ملی پیش می‌رود و بدین ترتیب مسلماً می‌توان حداقل در مورد کتابهای جاری همیشه خدمات بهتر و دقیق‌تری در اختیار مراجعه‌کنندگان کتابخانه که روزبه‌روز بیشتر می‌شوند قرار داد.

با جابه‌جا کردن قسمتی از کتابخانه، نسخ خطی ارسالی از کتابخانه پهلوی سابق، گرچه در شرایط نامناسب، به تدریج از جعبه‌ها بیرون آورده می‌شود و برای هر یک شناسنامه و برگه فهرست تدوین می‌شود که پس از اتمام به چاپ خواهد رسید و در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.

کتابخانه ملی در حال حاضر حدود ۹۴ هزار جلد کتب فارسی و عربی، و حدود ۱۱۳ هزار جلد کتاب^۲ خارجی و ۷۰۰ عنوان مجله فارسی و ۳۶۰ عنوان مجله خارجی و ۱۲ هزار جلد نسخه خطی دارد. مسلم است که همین مقدار اگر دقیق و منظم سازماندهی شود می‌تواند بسیار قابل استفاده باشد و خود تاریخچه‌ای است از نفایس و کتب قدیمی، خواه کتابهای چاپ سنگی و خواه کتب چاپی بسیار قدیمی که ممکن است نظایرش در جهان بسیار اندک باشد. همچنین است مجموعه نسبتاً غنی مجلات که فهرست موجودی آنها به تدریج در حال انتشار است. به کتابهای خارجی به استثنای آنچه به‌طور رایگان از برخی از کشورها ارسال می‌شود، چیز زیادی افزوده نشده، ولی همانها که هست از نظر تاریخی بس نفیس است، چه آنها که توسط ناپلئون به ایران هدیه داده شده و چه آنها که در دوران هیتلر به کتابخانه رسیده است. به هر حال باید قدر این مجموعه را که خود حافظه دهها هزار دانشمند جهان است، دانست و در حفظ آنها کوشید.

انتظار مردم از کتابخانه ملی چیست؟

با این همه واقعاً انتظار مردم از یک کتابخانه ملی چیست؟ آیا کتابخانه ملی در حد یک کتابخانه عمومی بزرگ باید عمل کند؟ اگر چنین است چرا دیگر کشورهای جهان که کتابخانه ملی دارند به قدمت و خدمات آن مباحثات می‌کنند و برای نگهداری منابع آن در جنگ و صلح از هیچ کوششی و صرف هیچ هزینه‌ای دریغ نمی‌کنند؟ آنچه مسلم است اینکه اهداف کتابخانه ملی امروز بر جهانیان آشکار است و کسی در آن

کتابخانه‌های معتبر جهان و سازمانهای بین‌المللی کتابداری و دکوماتاسیون با مطالعه نظامهای جدید اطلاع‌رسانی و انطباق آنها با اوضاع کشور، از غیرفعال شدن و رکود و رخوت خود جلوگیری نماید.

۱۱) کتابخانه ملی نقش بسیار پراهمیتی در آموزش حین خدمت کتابداری و برنامه‌ریزی ملی کتابخانه‌ها و کتابداری ایفا می‌نماید.

اینهاست اهم اهداف کتابخانه‌های ملی که مورد تأیید همه جهانیان و مراجع بین‌المللی کتابداری است. سری- به کتابخانه‌های ملی جهان سوم بزنیم و ببینیم که چگونه همگی به سوی این اهداف در حرکتند و بخصوص آنها که توانسته‌اند خود را از زیر یوغ استعمار برهانند با سرعت بیشتری برای دسترسی به این مقاصد گام برمی‌دارند. کتابخانه ملی الجزایر، اندونزی، هند، لیبی، کره، کوبا، و ویتنام نمونه‌های زنده‌ای از این تلاش است.

آیا جای تأسف نیست که مجموعه فارسی و خارجی کتابخانه ملی کشوری به قدمت ایران با همه عظمت و غنای فرهنگ و ادبش فقط حدود ۲۰۰ هزار جلد باشد و مجموعه کتابخانه ملی الجزایر حدود یک میلیون؟ آیا کشور هند در سال ۱۹۵۳ مسأله کمبود جا را با انتقال کتابخانه ملی به محل سکونت نایب‌السلطنه سابق هند و اضافه کردن قسمتهایی بدان حل نکرد؟

کتابخانه ملی معرف اعتلای فرهنگ و خصلت آزادگی مردم هر کشور است و به همین دلیل است که همواره مورد بازدید مقامات مهم مملکتی کشورهای خارج قرار می‌گیرد. کشور کره برای عرضه تمدن و فرهنگ کشورش به نخست‌وزیر کشور ما چه چیز باشکوه‌تر از نمایش کتابخانه ملی اش داشت. کتابخانه‌ای که حاصل همه اندیشه‌های بزرگ مردم آن کشور بود و آزاداندیشی مردم گمنامی را که قهرمانانه زیسته‌اند نشان می‌داد؟

بکشیم کتابخانه ملی ایران را از وضع فلاکت‌باری که رژیم گذشته تحویل ما داده درآوریم و آن را شایسته جمهوری اسلامی ایران، که مذهبش مبتنی بر «کتاب» است، بسازیم و محیط آن را عرضه فعالیتها و تحقیقات فرهنگی، ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی همه فرهنگدوستان و محققان ایران و جهان کنیم.

۱. محمد تقی پور احمد جکاجی. تاریخچه کتابخانه ملی ایران. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۵۷، ص ۷۴

۲. توجه داشته باشید که این ارقام بر مبنای نسخه است نه عنوان. والا تعداد آنها به یک سوم تقلیل می‌یافت.

نقطه ابهامی نمی‌بیند. با نگاهی به کتابخانه‌های ملی جهان ملاحظه خواهیم کرد که حرکت همه به سوی مقاصد و اهداف زیر است:

۱) کتابخانه ملی به‌عنوان حافظ میراث فرهنگی کشور باید کلیه منابع اطلاعاتی چاپی و غیرچاپی منتشر شده در کشور را جمع‌آوری نماید.

۲) کتابخانه ملی به‌عنوان مهمترین مرجع اطلاع‌رسانی کشور باید کلیه منابع اطلاعاتی را که در خارج درباره کشور مادر یا به زبان آن منتشر می‌شود جمع‌آوری نماید.

۳) کتابخانه ملی همچنین به‌عنوان معتبرترین مرکز اطلاع‌رسانی و دکوماتاسیون کشور باید بتواند کتب معتبر علمی و فنی و ادبی و مراجع مهم جهان را حداقل به زبانهای خارجی رایج در کشور جمع‌آوری نماید.

۴) کتابخانه ملی موظف است کلیه منابع اطلاعاتی خود، اعم از کتاب، مجله و مواد سمعی و بصری را طبق روشهای علمی و با ضوابط بین‌المللی به‌نحوی سازماندهی نماید که بازیابی آنها در اسرع اوقات امکان‌پذیر باشد.

۵) کتابخانه ملی باید از راه نشر سریع کتابشناسی ملی عموم مردم را در جریان منابع اطلاعاتی جاری کشور بگذارد.

۶) کتابخانه ملی به‌عنوان مادر سایر کتابخانه‌های کشور باید با انجام تحقیقاتی در زمینه‌های علم کتابداری و اشاعه آخرین شیوه‌های علمی موجبات بهبود و گسترش کتابخانه‌های کشور را فراهم نماید و نیز از راه انجام امور فنی کتابداری به‌طور مرکزی نه تنها از دوباره‌کاری و هدر رفتن نیرو و هزینه کشور جلوگیری کند، بلکه کتابخانه‌ها را یاری دهد تا از یک شیوه فهرست‌نویسی و رده‌بندی صحیح و علمی برخوردار باشند.

۷) کتابخانه ملی با مشاوره و راهنمایی کتابخانه‌های دیگر و انتشار استانداردهای لازم، باید دولت را در جهت برنامه‌ریزی و کتابخانه‌ها را در راه اعتلا و گسترش یاری نماید.

۸) کتابخانه ملی باید قادر باشد نیازهای اطلاعاتی و پژوهشی محققان و طلاب علم را به‌سرعت از خارج یا داخل کشور برآورده نماید.

۹) کتابخانه ملی باید قادر باشد سؤالات علمی، تحقیقاتی، فرهنگی، ادبی و انتشاراتی را که کتابخانه‌ها و مراکز تحقیق و اشخاص منفرد از خارج از کشور بدو احاله می‌نمایند سریع و دقیق جواب بگوید.

۱۰) کتابخانه ملی به‌منزله یک کانون فرهنگی باید سازمانی پویا، پرتلاش و در تکاپو باشد و ضمن تماس با